

الگوی فلسفه هنجارین مدیریت خبر و اطلاع‌رسانی

احمد آکوچکیان^۱، زهرا نجفی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۲ تاریخ تایید: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

دانش فقه در احکام، در آستانه گذار از عصر اول معرفت‌شناختی خویش؛ یعنی دگر‌دبسی فلسفه فقهی است. از این‌رو می‌توان انتظار دومین فصل تحول معرفت‌شناختی فقه را، در عرصه میان رشته‌ای‌ها، از جمله حوزه فقه، خبر و اطلاع‌رسانی را داشت. مدیریت فقه‌بنیان فرایند اطلاعات از جایگاه کاربردی بسیار تأثیرگذاری در اقتدار ملی و دینی برخوردار است. تحقیق به مدد روش‌شناسی پیش‌رونده و بازخورنده پیشرفت و دو منطق استنتاجی و استنباطی، سه سطح پردازشی الگوی مزبور را در میانی پارادایمی، سامانه احکام، اصول مدیریت فقه‌بنیان، تبیین نموده و خصوصاً به سطح دوم این پردازش، اهتمام افزونتری می‌ورزد. در فرایند تولید، توزیع و مصرف خبر، دست یافتن به سامانه احکام فقهی محتوا، منبع، مخاطبان و شاغلان حوزه خبر و اطلاع‌رسانی در سطح سامانه احکام فقهی، که مبتنی بر میانی پارادایمی شکل می‌گیرد و مبنایی برای اصول مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی است، از جمله ضرورت‌های دستیابی به الگوی فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی است. احکام محتوای خبر، احکام منبع خبر، احکام مخاطبان خبر و احکام فقهی شاغلان خبر سرفصل‌های تحلیلی این سامانه هستند. ایده ولایت فقیه از ایده ولایت فقه (جریان دانش در مدیریت فرایندهای تغییر) بر می‌آید و ولایت‌مندی فقه در گرو اهتمام به استنباط قوانین و احکام کلی همه عرصه‌های رشد و حیات فردی - اجتماعی است و بر بنیان ایده ولایت فقه است که رکن معرفت‌شناخت نظریه جمهوری اسلامی یا مدنیت معاصر اسلامی دریافته می‌شود و جایگاه فقه خبر و اطلاع‌رسانی و ولایت‌مندی این فقه در حوزه مدیریت اطلاعات و فرایند اطلاعات آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: محتوای خبر، منبع خبر، مخاطبان خبر، شاغلان خبر، فقه، تفقه در دین، فقه خبر و اطلاع‌رسانی، ولایت فقیه.

۱. دانشیار، عضو هیئت علمی و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد). a_akoochekian@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد). najafi.es@gmail.com

مقدمه

حوزه فکر دینی، در دوران معاصر، در گذار از تحول معرفت‌شناختی خویش و در رویارویی با چالش‌ها و پرسش‌های جهان جدید، ناگزیر از بازخوانی خویش در نگرش‌های درون‌دینی و برون‌دینی خود است. اندیشه و دانش فقه نیز، به عنوان یکی از فصول نظام‌واره حوزه فکر دینی، در گذار معرفت‌شناسانه خویش قرار گرفته و علاوه بر این به عنوان دانش مبنای تغییر و به تعبیری دانش ولایتمند تغییر، برای اثبات حقانیت ولایتمندی خویش و برای دستیابی به تمدن اسلامی - ایرانی، ناگزیر از ورود به عرصه دانشی میان‌رشته‌ای‌ها و پاسخ‌گویی به پرسش‌های جهان معاصر است. فرایند مدیریت اطلاعات در جهان معاصر از جمله مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در معادلات جهانی، چه در عرصه سیاست، اقتصاد و چه فرهنگ و غیره است. علاوه بر این در نظام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز از جایگاه به شدت کاربردی‌ای در اقتدار دینی و ملی برخوردار است. «الگوی مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی»، دارای چه ساختار تحلیلی است؟

هر کدام از حوزه‌های فقه، به ناگزیر در سه سطح مفهومی طبقه‌بندی می‌شوند؛ یعنی از جزء به کل، به فقه احکام فردی، فقه تشریحی و نهایتاً فقه در دین تقسیم‌بندی می‌شوند و سامانه کلان‌نگر احکام فقهی محتوا، منبع، مخاطبان و شاغلان خبر و اطلاع‌رسانی، در جایگاه تعریف فقه به فقه احکام فردی، از این تعریف سه سطحی فقه قرار دارد.

تحقیق به مدد روش‌شناسی پیش‌رونده (منطق پردازش مدل مفهومی الگوی پیشرفت) و بازخورنده (منطق گذار از تجربیات اقدامی نظام به مبانی نظری) پیشرفت و دو منطق استنتاجی (قیاسی - پسااستقرایی) و استنباطی (اصول فقه جامع)، سه سطح پردازشی الگوی مزبور را در مبانی پارادایمی، سامانه احکام، اصول مدیریت فقه‌بنیان، تبیین نموده و به طور خاص به سطح دوم این پردازش، اهتمام افزونتری می‌ورزد. توجه به این نکته ضروری می‌نماید که سامانه احکام فقهی خبر و اطلاع‌رسانی، در کنار سامانه اخلاق خبر و اطلاع‌رسانی، تأمین‌کننده یک بخش از مبنای دانشی الگوی هنجارین وضعیت مطلوب رسانه ملی نظام اسلامی است. الگوی هنجارین وضعیت مطلوب، یک سطح از سه سطح منظومه مدیریت راهبردی دین‌شناخت پیشرفت یا ولایت فقیه است (سه سطح ولایت فقیه: توصیف انتقادی وضعیت موجود، الگوی هنجارین وضعیت مطلوب و الگوهای راهبردی مدیریت وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب). از این‌رو به منظور دستیابی به مکتب فقهی خبر و اطلاع‌رسانی یا الگوی مدیریت فقه‌بنیان فرایند خبر و اطلاعات، می‌توان و باید با مبنا قرار دادن مبانی نظری چون فلسفه دینی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ... در گام اول، تلاش نمود تا به سامانه احکام

فقهی محتوا، منبع، مخاطبان و شاغلان در فرایند مدیریت اطلاعات که مبنایی برای دستیابی به اصول مدیریت فقه‌بنیان مدیریت خبر و اطلاعات است، دست پیدا کرد. با توجه به گستره وسیع سامانه احکام فقهی فرایند مدیریت اطلاعات، در این پژوهش تلاش می‌شود تنها به کلیت و سامانه کلان‌نگر این حوزه پرداخته شود. حوزه خبر و اطلاع‌رسانی، بستری است برای برقراری ارتباط بین‌الذهانی میان آحاد یک جامعه. تعیین و تبیین قواعد کلی حاکم بر جریان خبر و اطلاعات، به منظور تحقق یافتن جامعه معنوی یا مفهومی، امری ضروری است. از این‌رو با توجه به مجال این مقاله، با اشارتی به الگوی هنجارین خبر و اطلاع‌رسانی در منظومه کلان‌الگوی پیشرفت و با گذار اجمالی از مبانی نظری الگوی یاد شده، به تحلیل فشرده‌ای از سامانه کلان‌نگر احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی پرداخته و در نهایت، ضمن اشاره به روش‌شناسی برگزیده، جریان نگرش هنجارین فقه خبر و اطلاع‌رسانی در مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی، اندکی به تحلیل در می‌آید.

اول - فلسفه الگوی هنجارین مدیریت خبر و اطلاع‌رسانی

در منظومه مدیریت راهبردی دین‌شناخت پیشرفت یا ولایت فقیه، سه سطح توصیف انتقادی وضعیت موجود، الگوی هنجارین وضعیت مطلوب و الگوهای راهبردی مدیریت وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب، جای دارد. در عرصه فقه خبر و اطلاع‌رسانی نیز به همین قرار است. بنابراین، پردازش الگوی هنجارین مطلوب برای نظام خبر و اطلاع‌رسانی، در عرصه مدنیت و حاکمیت جمهوری اسلامی امری ضروری است. الگوی هنجارین مطلوب حوزه خبر و اطلاع‌رسانی، علاوه بر اینکه دربردارنده دو فصل فقه و اخلاق است، نیازمند و ناگزیر از تعیین جایگاه فقه خبر و اطلاع‌رسانی در منظومه جامع فقه پیشرفت است که به نوبه خود، به اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، بازتعریف می‌شود. نظریه‌های هنجاری^۱، از جمله نظریه‌های موجود در ارتباطات می‌باشند.

«این نظریه‌ها شاخه‌ای از فلسفه اجتماعی محسوب شده و اغلب به این موضوع می‌پردازند که اگر قرار باشد ارزش‌های اجتماعی رعایت شود یا تحقق یابد، رسانه‌ها باید چگونه عمل کنند و ماهیت این ارزش‌های اجتماعی کدامند. این نوع نظریه که به باید‌ها و نبایدهای رسانه‌های جمعی می‌پردازد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که در شکل‌گیری نهاد رسانه نقش اساسی ایفا نموده و تأثیر زیادی بر انتظارات مخاطبان و تعامل‌کنندگان رسانه‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی می‌گذارد» (ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۲۱).

«نظریه‌های هنجاری مشخص‌کننده بایدها و نبایدها در عملکرد رسانه‌هاست. این بایدها و نبایدها برخاسته از نظام اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است که از جمله آن‌ها می‌توان به قوانین مکتوب مربوط به رسانه‌ها، پارهای ایدئولوژی و پیش‌فرض‌های ضمنی موجود در جامعه اشاره نمود. دیدگاه هنجاری رسانه برآیند مجموعه‌ای بایدها و نبایدها در نهادهای متنوعی است که در تعامل با رسانه قرار دارند. رابطه رسانه با هر یک از این نهادها، شرایط و موقعیت عمل رسانه، مبانی فلسفی و فکری پایه‌گذاران آن و ریشه‌های شکل‌گیری رسانه و نیز ارزش‌ها و آموزه‌ها و اصول دینی از جمله بسترهای شکل‌گیری نظریه‌های هنجاری در ارتباطات جمعی به شمار می‌آیند» (ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۲۲).

از آنجایی که دانش ارتباطات در حوزه‌های علمی غربی شکل گرفته‌اند، قطعاً متأثر از دیدگاه‌های سکولار آن مکاتب هستند و مستند به تئوری‌ها، آموزه‌ها و روش‌شناسی‌های آنان، به سامان‌دهی حوزه‌های ارتباطی پرداخته می‌شود. با این وجود، اندیشمندان مسلمان با داشتن مبانی و آموزه‌هایی متفاوت از آنان، به استفاده از نتایج تحقیقاتی آنان می‌پردازند.

جهان‌بینی اسلامی مبتنی بر خدامحوری، شریعت‌مداری، آخرت‌گرایی و تکامل همه جانبه بشر است. مکتب فقهی اسلام با مبنا قرار دادن مبانی نظری چون مباحث فلسفه دین، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ...، رهسپار ترسیم الگوی هنجارین وضعیت مطلوب خود می‌شود که این الگوی هنجارین نیز در بردارنده دو مبنای دانشی؛ یعنی فقه و اخلاق است. فقه نیز با توجه به تعریف فقه در احکام؛ یعنی یک سطح از سه سطح مفهومی فقه،^۱ تأمین‌کننده بخشی از این الگوی هنجارین است که در نهایت، گامی است برای رهسپاری به سمت الگوهای راهبردی مدیریت وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب. بنابراین می‌توان گفت فقه خبر و اطلاع‌رسانی با نظر به مفهوم فقه در احکام آن، که عبارت است از استنباط احکام کلی حاکم بر جریان تولید، توزیع و مصرف اطلاعات، تأمین‌کننده یک فصل از دو فصل دانشی الگوی هنجارین مطلوب خبر و اطلاع‌رسانی است. (ن.ک: ترکاشوند، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۳)

دوم: ساختار تحلیلی الگوی هنجارین مدیریت خبر و اطلاع‌رسانی

یک الگوی هنجارین (باید شناخت و نه صرفاً توصیفی) مدیریت تغییر و بدینسان یک الگوی هنجارین مدیریت خبر و اطلاع‌رسانی، دارای ساختاری منطقی و استنتاجی - استنباطی از مبانی پارادایمی تا سامانه احکام و تا سطوح کاربردی مدیریت فقه‌بنیان است:

۱. هر کدام از حوزه‌های فقه به ناگزیر در سه سطح مفهومی طبقه‌بندی می‌شوند؛ یعنی از جزء به کل به فقه احکام فردی، فقه تشریحی و نهایتاً فقه در دین تقسیم‌بندی می‌شوند.

مبانی نظری

نظام ادراکی بنیادین یا پیش‌فهم یا پارادایمی، در فرایند پردازش اندیشه پیشرفت به طور عام و اندیشه دین‌شناخت پیشرفت به طور خاص و مدیریت عملکردی پدیدار مختار انسانی، نقش و کارکرد می‌یابد. «بنابر نظر کوهن، پایبندی به چارچوب یا پارادایم، پیش‌شرط و بستر لازم برای علم هنجاری موفق است، پایبندی به آن، یک عنصر کلیدی در کاوش علمی است و در شکل‌گیری ذهنیت و فضای فکری یک دانشمند موفق، نقش اساسی دارد» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۵۷).

به دیگر بیان، «پارادایم مجموعه‌ای از تفکرات، تصورات و ارزش‌هایی است که یک بینش از واقعیت را شکل می‌دهد که اساس راهی جهت تغییر و تحولات قرار می‌گیرد. پارادایم به مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها در زمینه‌ای خاص که به تشکیل یک نظریه کمک می‌کند یا یک نظریه کلی که انسان درباره قلمروی از هستی دارد و با توجه به آن نظریه به تفحص و بررسی در جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد، اطلاق می‌شود» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). اندیشه و دانش پیشرفت به‌طور مرتب توسط آنچه پارادایم (کوهن، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۲) نامیده می‌شود، بر ساخته می‌شود و از بین می‌رود. پارادایم (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰) شامل هر چیز ضروری (از مفروضات متافیزیکی و نظری در بالا گرفته تا تعهدات به روندهای تجربی و کاربردی در پایین) برای شکل‌گیری علم می‌شود. در فاصله بالا و پایین، نظریه‌ها و نمونه‌های خاص از مسائل حل شده (که نمونه‌های پارادایمیک نامیده می‌شوند و جزء بسیار مهم یک پارادایم هستند)، قرار دارند. نظریه‌پردازان پیشرفت و مدیریت حوزه اطلاعات و خبررسانی، بدون ابتناء بر شش‌گانه فلسفه دین - فلسفه حیات، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی - انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی، زیباشناسی و روش‌شناسی نمی‌تواند صورت پذیرد (رشاد، ۱۳۹۰؛ راین، ۱۳۶۷؛ حکیمی، ۱۳۶۳؛ جعفری، ۱۳۶۰؛ میرزائی، ۱۳۹۲؛ بارکر، ۱۳۹۱؛ تودور، ۱۳۹۲). در واقع هر پارادایم، نمایان‌گر جهان‌بینی مشخصی است مشتمل بر باورها، واقعیت، دانش، پژوهش، حقیقت، صدق و نسبت میان این‌ها (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۶، محسنی، ۱۳۷۴). این پارادایم را از منظری دیگر می‌توانیم فلسفه آن موضوع بنامیم.^۱ نقش مهم پارادایم‌ها آن است که مسائل و اصول بنیادی را در حوزه اهل تخصص تثبیت می‌کنند (البته پیش از آن که یک حوزه علمی به

۱. به این ترتیب فی‌المثل در فلسفه فیزیک به پرسش‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی بنیادین از قبیل علیت، قطعیت، اندازه‌گیری، تئوری و تئوری ایده‌آل، احتمال و تعین ماده، انرژی، فضا، زمان، ماهیت قوانین، ارزش‌های پژوهش فیزیکی، نقش زمینه در داده‌ها و... می‌پردازیم. در فلسفه اقتصاد هم به چیستی بازار، دولت، بازیگران، در معرفت‌شناسی اقتصاد به نحوه شکل‌گیری یک ادعای صادق، تئوری‌های معتبر، نقش تجربه و... در حوزه ارزش‌شناسی هم به کاربردهای ارزشی (عدالت و...) و نقش اخلاقی در اقتصاد پرداخته می‌شود.

مرتبه‌ای از رشد برسد که یک پارادایم پدید آید، بحث‌هایی میان متخصصان آن رشته درباره مسائل بنیادی صورت می‌گیرد اما پس از استقرار پارادایم، مسائل بنیادی تثبیت می‌گردند (بازتلانفی ۱۹۶۸، باندهدل و لیندگرن ۲۰۰۳، ریچموند ۱۹۸۵، کارزوسکین ۲۰۰۸).

به این ترتیب روشن است تفاوت‌های فلسفه دینی، هستی‌شناختی - انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، زیباشناختی و روش‌شناختی، به‌مثابه رویکردهای متفاوتی است که زاویه دیدهای متفاوتی را در پی خواهد داشت.

این نکته معرفت‌شناختی دو وجهی، در عرصه دانش استنباطی - کاربردی فقه در احکام، وضوح روشنی دارد، چنانچه نگاه ما به هستی، انسان و قوانین حاکم بر آن، الهی و وحیانی باشد، تدبیر امور ما مبتنی بر یافته‌های الهی و همسوی با عالم هستی خواهد بود. بنابراین بسیار ضروری است که بدانیم یافته‌های پژوهش خود را مبتنی بر چه پیش‌فرض‌هایی قرار می‌دهیم. با این توضیحات، ادراکات اعتباری چونان حوزه فقه، مبتنی بر مبانی متفاوتی از جمله هستی‌شناختی و انسان‌شناختی معین است.

مبانی پارادایمی استنباط فقهی در فقه خبر و اطلاع‌رسانی که به طور خاص شامل: مبانی فلسفه دینی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی و زیباشناختی است، الگوی ادراکی بنیادین استنباط فقهی و از جمله فقه خبر و اطلاع‌رسانی را شکل می‌دهد و استنباط فقهی، هیچ‌گاه بر حذر و مستقل از مبانی یاد شده رخ نمی‌دهد و جریان نمی‌گیرد و ورود به سامانه احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی نیز ناگزیر از گذار از این مبانی است، چرا که از سویی خبر و اطلاع‌رسانی ماهیت جدیدی دارد و فهم این رخداد جدید ما را ناگزیر از پرداختن به مبانی و مسأله‌های مقدماتی این دانش جدید می‌کند. همچنین ورود روش‌شناسی‌های نوینی چون اصول منطق سیستمی^۱، منطق تحلیل معانی^۲ و روش‌شناسی تحقیق و توسعه و مدیریت راهبردی^۳ نیازمند پرداختن به مباحث مقدماتی‌ای چون مبانی پارادایمی است. این مباحث که در زمره مباحث فلسفه فقه قرار می‌گیرد از این باب است که «برای عالم فقه و دیگران روشن شود که علم فقه بر چه اموری بیرون از خودش مبتنی است ... فلسفه فقه روشن می‌کند که علم فقه بعد از مسلم گرفتن بسیاری از مسائل دیگر، علم فقه شده است» (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰: ۵۸). علاوه بر این حضور ما در عصر جمهوریت اسلامی و عصر ولایت فقاقت، می‌طلبد که به مبانی نظری فقه و پیش‌فرض‌های فهم استنباطی پرداخته شود، چرا که در این عصر، از دانش ولایت‌مند تغییر؛ یعنی دانش متکفل

۱. در این روش، بحث از فهم سیستم احکام است و نه فقط مفردات احکام.

۲. در این روش، به نظام جامع مفاهیم پرداخته می‌شود.

۳. این روش، نشان دهنده چگونگی ورود استنباطات فقهی به حوزه مدیریت کاربردی و مدیریت راهبردی است.

مدیریت تغییر در معادلات معاصری، سخن گفته می‌شود. در ادامه، از مبانی پارادایمی یاد شده، به طور اجمال، به ذکر مواردی از مبانی فلسفه دینی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در سپهر دانش فقه خبر و اطلاع‌رسانی، پرداخته می‌شود.

بنیان فلسفه دینی خبر و اطلاع‌رسانی

«تفکر دو دهه اخیر جهان، به طور جدی و عملی با دین و آثار اجتماعی آن مواجه بوده است و دین نیز در صحنه‌های اجتماعی، دنیامداران را با تهدید جدی مواجه ساخته، و ملاک‌های دینی تفوق عملی خویش را بر صحنه‌پردازی انسان‌مداری غرب نشان داده است» (گیسلر، ۱۳۹۱: ۲۱). (ن.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۴) از همین رو «تأسیس و تنسيق فلسفه دین، منطلق کشف دین و فلسفه معرفت دینی، از مبرم‌ترین مصادیق نوآوری علمی در حوزه دین‌پژوهی و دینداری است» (رشاد، ۱۳۸۴: ۲۱).

فلسفه دین در بخشی از مباحث خود، از چرایی دین، ضرورت یا عدم ضرورت و نیاز یا عدم نیاز به دین سخن می‌گوید. اینکه آیا بشر فارغ از استدلال‌های کلامی و نقلی مربوط به ادیان مختلف و با رویکردی عقلی و فلسفی، نیازی به دین دارد یا خیر. جان هیک فلسفه دین را شعبه‌ای از فلسفه و دانشی ثانوی یا مع‌الواسطه می‌داند که می‌کوشد به تحلیل مفاهیمی نظیر خدا، تکلیف اخلاقی، برهمن، رستگاری، عبادت، خلقت، قربانی، نیروانا حیات ابدی و نظایر آن‌ها بپردازد و ماهیت زبان دینی را در مقایسه با زبان عادی روزمره، زبان کشفیات علمی، زبان اخلاق و زبان تعبیر خیال‌آمیز هنرها مکشوف سازد (هیک، ۱۳۸۱: ۱۶) (ن.ک: یاندل، برگ، وینرایت، پلانتیجا، ۱۳۸۶: ۴۰) برخی، معتقدند که فلسفه دین در معنی محدود به «مطالعه فرانگر - عقلانی احکام کلی امهات مسائل دین» اطلاق می‌شود (رشاد، ۱۳۸۹: ۵۶).

با توجه به بحث ضرورت یا عدم ضرورت دین که از جمله مباحث فلسفه دین است، باید دانست که «بحث از ضرورت یا عدم ضرورت دین، از آن‌جا برخاسته است که انسان صرفاً با اتکا به تمامی امکانات غریزی، عقلی، حسی، علمی و عرفانی خود در زندگی فردی و اجتماعی، در تقابل با این دنیا و دنیای دیگر، نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای خود و دیگران باشد» (پور سیدآقایی، ۱۳۸۹: ۲۳). بنابراین، به دنبال برنامه‌ای می‌گردد تا بتواند با پیروی از آن بیشترین بهره را از حیات خود ببرد. «به طور قطع، دین ضروری زندگی بشر است و برای رسیدن به پاسخ‌های خود، باید با در نظر گرفتن ضروری بودن آن به سراغ دین برود؛ زیرا آزاداندیش‌ترین دین‌شناسان، از جایی دچار اشتباه شدند که در مباحث علمی خود از نکته ضروری بودن دین غفلت و از ضرورت و یا عدم ضرورت آغاز نکردند. در واقع، با این پیش‌فرض که دین ضروری نیست، به تحلیل و تعلیل پرداختند و در حد امر قدسی به آن روی آوردند و همین پیش‌فرض، موجب اشتباه آنان شد. مهم‌ترین نتیجه و ثمره توجه به ضروری بودن دین

در آغاز پژوهش‌ها، این است که با اضطرار به وحی و دین، دیگر دین یک راه از میان راه‌ها نیست که دین تنها راه است. زیرا تنها، دین است که می‌تواند به ما پیام‌زود چگونه زندگی کنیم، خویش و خلق را تدبیر کنیم و چگونه بمیریم، تا بیشترین بهره و باروری را در عالم ظاهر و عوالم غیب و باطن که حقیقت همین عالم هستند، داشته باشیم» (پورسیدآقایی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۸).

پایه و اصل بنیادی مبحث نیاز بشر به دین یا ضرورت دین برای بشر، اعتقاد به جهان‌بینی الهی است؛ زیرا مقصود از دین در این بحث، دین به معنای خاص آن، یعنی دین الهی است؛ بنابراین زمانی می‌توان درباره نیاز بشر به دین الهی سخن گفت که وجود خداوند به عنوان آفریدگار انسان و جهان که بشر را بر اساس علم و حکمت آفریده است، پذیرفته شده باشد. به عبارت دیگر، فعل تشریحی خداوند است و بحث درباره فعل تشریحی خداوند مبتنی بر اعتقاد به وجود خداوند می‌باشد. از آنجا که دستگاه‌های ادراکی، احساسی، غریزی و کنشی انسان، آفریده‌های خداوند علیم و حکیم‌اند و از سوی دیگر، دین نیز فعل تشریحی خداوند است، قطعاً تعالیم و دستورهای دینی برای حذف و تعطیل دستگاه‌های آفرینشی یاد شده نخواهد بود؛ زیرا به مقتضای اینکه در آفرینش الهی چیزی زائد و عبث نیست، قوای ادراکی، غریزی و عملی انسان برای حیات او ضرورت دارد؛ لذا خداوند این قوا را به وی عطا کرده است؛ بنابراین نقش دین در مورد قوا، تجهیزات و دستگاه‌های گوناگون وجود انسان نقش تأیید کننده، هدایت‌گر، تعدیل‌کننده و تکمیل‌کننده خواهد بود. بنابراین نیاز انسان به دین را از سه زاویه می‌توان بررسی کرد: الف) نیاز معرفتی، مربوط به دستگاه‌های ادراکی انسان (معرفت)، ب) نیاز تربیتی، مربوط به قوا و تمایل‌های غریزی انسان (تربیت) و ج) نیاز تدبیری، مربوط به زندگی عملی و اجرایی انسان. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۵) داشتن حیات معقول (ن.ک: جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۶) و احساس ناب درباره تکلیف برین، بدون دین محقق نخواهد شد. احساس ناب درباره تکلیف برین، توسط دین قوت یافته و با استناد به دین حفظ می‌شود. این تکلیف برین غیر از مقرراتی است که آدمی برای تأمین زندگی طبیعی خود و ایجاد نظم، بدان‌ها محتاج است. بدون این احساس ناب، بشر تا سر حد یک حیوان بی‌عقل و بی‌قلب تنزل می‌کند (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

با توجه به جامعیت دین، در گستره‌های مختلف زندگی، می‌توان چارچوبی متقن و الگویی استوار را از آموزه‌های دین برای ساختار خبر و اطلاع‌رسانی تنظیم نمود. مبانی فلسفه دینی خبر و اطلاع‌رسانی را می‌توان در قالب حوزه‌هایی چون حوزه پیام، حوزه ارتباطی، هنر و بعد سازمانی مطرح کرد.

بنیان هستی‌شناختی فقه خبر و اطلاع‌رسانی

هستی‌شناسی یا وجودشناسی شاخه‌ای است از فلسفه که به مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم وجود برمی‌آید، تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر گردد.

«یک مسلک و یک فلسفه زندگی خواه ناخواه بر نوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی درباره هستی و بر یک نوع تفسیر و تحلیل از جهان مبتنی است. نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌دارد، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. همه دین‌ها و آیین‌ها و همه مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی متکی بر نوعی جهان‌بینی بوده است. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آنها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و باید و نبایدهایی که انشاء می‌کند و مسئولیت‌هایی که به وجود می‌آورد، همه به منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی‌ای است که عرضه داشته است. حکما، حکمت را تقسیم می‌کنند به حکمت عملی و حکمت نظری. حکمت نظری دریافت هستی است آنچه‌ان که هست، و حکمت عملی دریافت خط مشی زندگی است آنچه‌ان که باید. اینچنین باید‌ها نتیجه منطقی آنچه‌ان هست‌هاست، بالاخص آنچه‌ان هست‌هایی که فلسفه اولی و حکمت مابعدالطبیعی عهده‌دار بیان آنهاست» (مطهری، ۱۳۸۷: ۷۶) (ن.ک: صدر، ۱۳۸۱).

با توجه به ضرورت شناخت انسان در هر یک از علوم، باید دانست که:

«حقیقت انسان روح اوست، از این‌رو بدون شناخت روح، شناسایی انسان ناممکن است. روح نیز مجرد است و مجرد، قسمی از هستی است، لذا روح بشر بدون هستی‌شناسی و معرفت به انقسام آن به دو قسم مجرد و مادی و شناخت معنای وجود مجرد، هرگز شناخته نمی‌شود، زیرا در بحث هستی‌شناسی، این دو نوع وجود و احکام و لوازم هر کدام شناخته می‌شود. هستی‌شناسی وابسته به جهان‌بینی الهی است، چون در جهان‌بینی الهی دانسته می‌شود که در نظام هستی، خدا موجود واجب است و سایر موجودها فیض نشئت گرفته از اویند، پس مسیر شناخت انسان، از جهان‌بینی الهی به هستی‌شناسی و از آن به انسان‌شناسی است و این شناخت، اصلی موضوعی و پیش‌فرض همه علوم انسانی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷۳) (ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۱۳).

هستی‌شناسی خبر و اطلاع‌رسانی، کاوش در باب چیستی‌ها و چرایی‌های خبر و اطلاع‌رسانی است به گونه‌ای که در استنباط فقهی مؤثر است و کارگشایی دارد. مستند به هستی‌شناسی

مطلق، دو سطح هستی‌شناسی مضاف مرتبط با فرایند استنباط فقهی بر می‌آید:

۱- مباحث هستی‌شناسی در باب خبر و اطلاع‌رسانی که مؤثر در جهان‌بینی فقیه است عبارتند از: انواع نشانه‌ها: نگاره‌ها، نمایه‌ها و نمادها، رمزها، متن‌ها، استعاره و ...

۲- مباحث هستی‌شناسی در باب مقولات درون فقهی مانند: حکم فقهی، عدالت، اصل اباحه، امنیت، وحدت، حفظ نظام و آزادی (آزادی عقیده، آزادی بیان) با توجه به اصول رسالت خبر و اطلاع‌رسانی از چشم‌انداز اصل آزادی بیان در مواردی چون: دعوت به تفکر، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت، حق خیرخواهی و انتقاد از حاکمان مسلمان، نهی از کتمان حق، جدال احسن، گزینش بهترین، برهان‌طلبی، نقل آراء و نظرات مخالفین.

بنیان انسان‌شناختی فقه خبر و اطلاع‌رسانی

«توجه به انسان و شناسایی وی مسأله‌ای است که از قدیم‌الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بشر بوده است و کمتر سیستم فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان نپرداخته باشد» (نصری، ۱۳۷۱: ۱)، (ن.ک: فکوهی، ۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۶)، (ن.ک: اریکسن؛ نیلسن، ۱۳۸۶)، (ن.ک: کتاک، ۱۳۸۶)، (ن.ک: صدر، ۱۳۸۱).

«انسان‌شناسی به عنوان یک شاخه علمی به تمام مسائل انسان چون رفتار اجتماعی، زبان، نقش‌ها، ارزش‌ها، شخصیت، حکومت، خویشاوندی، پیش از تاریخ، تاریخ، هنر، بیماری، مذهب، اقتصاد، فناوری، پوشاک و ... می‌پردازد. ... بنابراین، انسان‌شناسی علم بسیار وسیعی است که برای شناخت انسان و مسائل او ایجاد شده است» (عسکری خانقاه؛ شریف کمالی، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۴). «همه علوم از زاویه مبادی، مبتنی بر شناخت‌شناسی‌اند که آن هم بر انسان‌شناسی استوار است. علوم دو بخش‌اند: علوم انسانی و غیر آن (علوم تجربی و ریاضی). موضوع اصلی قسم نخست، انسان است و تأمین آن (انسان) به عنوان اصل موضوعی برای همه علوم انسانی مانند فقه، اصول، ادبیات با همه شعب گسترده آن، حکمت، کلام، اخلاق، عرفان، حقوق، سیاست، تفسیر، جامعه‌شناسی، تاریخ و نیز ده‌ها رشته مرتبط به این علوم، بر عهده علم شریف انسان‌شناسی است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۳).

انسان‌شناسی فقه خبر و اطلاع‌رسانی از جمله دیگر مبانی نظری مؤثر در فرایند استنباط فقهی و سامانه احکام فقهی به طور عام و در فقه خبر و اطلاع‌رسانی به طور خاص، است. چرا که شناخت دقیق انسان علاوه بر اینکه مقدمه‌ای است برای خداشناسی، طریق تهذیب نفس، رهایی از آفات خود فراموشی، نقش‌آفرینی انسان‌شناسی در سایر علوم (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶۲)، (ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۱۸) و راهی برای شکوفا کردن استعدادها و است (ن.ک: نصری، ۱۳۶۸: ۷)، از این طریق می‌توان دریافت که هر بخش از سیستم احکام دین متناسب با کدام بخش وجودی او تنظیم و تدوین شده است. انسان‌شناسی مجموع دانش و بینشی است

که در نهایت به شناخت ابعاد و الزامات وجودی انسان نائل می‌گردد. انسان‌شناسی‌ای می‌تواند تصویر صحیحی از انسان ارائه دهد و راه‌گشای مسائل او باشد؛ که تمام ابعاد وجودی او را در نظر بگیرد و او را به عنوان یک کل معرفی کند، از آغاز خلقتش تا سرانجام وجودیش و با در نظر گرفتن بعد جسمانی و روحانی او. بنابراین، باید به سراغ منبعی رفت که انسان را به تمام معنا بشناسد و به کمال وجودی و سعادت واقعی او آگاه باشد. به اختصار، به ذکر مواردی که در حوزه انسان‌شناسی خبر و اطلاع‌رسانی، مطرح و تأثیرگذار است، می‌پردازیم:

۱. انسان با دو بعد مادی و معنوی

«انسان‌شناسی قرآن به گونه‌ای است که انسان را پاره پاره نمی‌کند. انسان را محدود نمی‌سازد. تک بعدی به انسان نمی‌نگرد. همه ابعاد انسان را در نظر می‌گیرد. انسان را به صورت یک کل واحد مطرح می‌سازد» (نصری، ۱۳۶۸: ۸).

طبیعت انسان: گرچه یکی از دو بعد وجودی انسان طبیعت اوست؛ اما اینگونه نیست که سروری و برتری از بعد طبیعی او باشد که در صورت پیروی محض از امیال و خواسته‌های آن، انسان را از کرامت وجودی او دور کرده و او را به جایگاهی می‌رساند که از حیوانات نیز کم ارزش‌تر خواهد شد.

فطرت انسان: «در نگاه فطری و باطنی، همه انسان‌ها «حی متألّه» هستند؛ یعنی حیات الهی و تأله ملکوتی در همه انسان‌ها نهادینه شده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

حرکت در مسیر تکامل (در بعد فردی و جمعی)

نیاز به رعایت تقوا: انفال / ۲۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما انیروی [تشخیص حق از باطل] قرار می‌دهد.» نیاز به دانستن: رسولان و پیامبران، برای تغییر شیوه زیست مردم مبتنی بر دانش و آگاهی لازم، مبعوث شدند و همه‌شان در طول رسالت خود، به دنبال انتقال آگاهی‌های لازم به مردم زمانه خود بودند.

لزوم حرکت در متن جامعه

بقره / ۲۱۳: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً؛ مردم، امتی یگانه بودند» و حجرات / ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید.»

مبنای ارتباطی او در مواجهه با خلق

تعاون با خلق: مائده / ۲: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر

همکاری کنید.»

به کارگیری کلام حسن و نیکو در ارتباط با خلق: (بقره/ ۸۳: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید» و فصلت/ ۳۴: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن.»

۲- سامانه کلان‌نگر احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی

در این بخش از پژوهش، با گذار از سطح اول؛ یعنی مبانی نظری که الگوی بنیادین استنباط فقهی را شکل می‌دهد و استنباط فقهی، هیچ‌گاه بر حذر و مستقل از مبانی یاد شده رخ نمی‌دهد، نوبت به پردازش نظام مطلوب فقه‌شناخت خبر و اطلاع‌رسانی می‌رسد که شامل سامانه، دستگاه یا سیستم شایدها و بایدها و نشایدها و نبایدهای فقهی - حقوقی خبر و اطلاع‌رسانی و مدیریت فرایند اطلاعات است. آنچه از احکام فقهی، در مثل موضوع خبر و اطلاع‌رسانی، در مباحث مرسوم فقهی می‌آید در این سامانه جامع جای‌گیر است. در پایان هر یک از عناوین، به یک مورد از نمونه‌های عینی جریان‌یابی سامانه احکام در شیوه‌های خبرنویسی و اطلاع‌رسانی، اشاره می‌شود.

سامانه کلان‌نگر احکام فقهی محتوای خبر

خبر، دارای یک پوسته و یک محتوای دانشی همراه با بایدهای حاکم بر آن است، احکام فقهی محتوای خبر، همین بایدهای حاکم بر محتوای دانشی است. پرسش اصلی در اینجا آن است که محتوای دانشی یک خبر، بایستی دارای چه ویژگی‌هایی باشد و نمونه آیات و روایات مستند بایدهای این فصل، نشان‌دهنده توجه به قلمرویی گسترده‌تر از ۵۵۰ آیه مورد استفاده در فقه مرسوم است. در این فصل از مقاله، دانسته می‌شود که احکام خبر دو دسته‌اند، یک دسته بایدهای کلی عمومی حاکم بر هر گونه خبر و دسته دیگر بایدهای متناسب با هر حوزه خبررسانی که در جدول شماره ۱، به حسب وسع، به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: سامانه کلان‌نگر احکام فقهی محتوای خبر

سامانه کلان‌نگر احکام فقهی محتوای خبر		
بایدهای کلی عمومی حاکم بر هر گونه خبر	حقیقت‌نمایی خبر	آل عمران (۶۲) و (۷۱)، فرقان (۳۳)
	نافع بودن خبر	یوسف (۳)، اعراف (۲۰۳)، حج (۲۴)
	خودپادآور بودن خبر	قمر (۴۰)، روم (۸)
	آگاهی‌بخشی خبر و در	سیا (۲۸)، انعام (۳۵)، تحف العقول (ص ۴۶ و ۳۰۲)

۳۰۳	اعراف (۱۹۹)، هود (۴۶)، توبه (۱۲۲)	بردارندگی علوم و یافته‌های دینی
غرر الحکم (ص ۶۴)، بحار الانوار (ج ۶۸ ص ۸۳)	آل عمران (۷)	استقامت‌بخش بودن خیر بر امر ایمان و در برابر مشکلات
مشکاه الانوار (ص ۱۲۵)	رعد (۲۸)	نگرش جهان‌بینی الهی در محتوای خیر
-	نازعات (۲۶)، یوسف (۱۱۱)	عبرت‌آموز بودن مضامین خیر
الکافی (ج ۷ ص ۵۱ و ج ۱ ص ۴۰۵)	حجرات (۱۰)، آل عمران (۱۰۵)	منجر شدن خیر به الفت، دوستی، برادری و وحدت
تحف العقول (ص ۲۸۴)	انفال (۴۰)	منجر شدن خیر به تحکیم روحیه استقامت در برابر دشمنان
بحار الانوار (ج ۱ ص ۸۵ و ج ۲ ص ۷۱)	ابراهیم (۴)	رعایت سطح استعدادها و ذهنی و فهم مردم در خیر
الکافی (ج ۱ ص ۵۴)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ج ۱ ص ۱۲)	-	مبارزه خیر با بدعتها
الکافی (ج ۱ ص ۳۶)	اعراف (۱۲۸ - ۱۲۹)، یوسف (۸۷)	منجر شدن خیر به ایجاد روحیه امید در بین مردم
غرر الحکم (ص ۱۰۹)، تحف العقول (ص ۲۶۱)	اعراف (۱۵۷)	مبرا بودن خیر از موانع شناخت و لزوم منجر شدن آن به بیداری اجتماعی
-	نور (۱۹)	مبرا بودن خیر از هرگونه اشاعه فحشا
الکافی (ج ۲ ص ۳۵۹)	توبه (۱۶)، آل عمران (۱۱۸)	مبرا بودن خیر از افشای اسرار

دوری از ایجاد جو روانی منجر به تلاطم در اقتصاد	رعایت اصل واقع‌نگری و توجه به اصل کمیت‌گرایی	بایدهای جهت‌بخش اخبار اقتصادی	
عدم ارائه ارزش‌های متناقض با اهداف اصلی نظام حاکم	- شناخت اقشار گوناگون اجتماعی - در نظر گرفتن ویژگی مخاطبان - زمان و نوع بیان، انتخاب کلمات و شیوه چیدمان آن‌ها و بار معنایی انتخاب شده	بایدهای جهت‌بخش اخبار فرهنگی	بایدهای فقه‌ا‌هتی متناسب با هر حوزه خبررسانی
عدم ارائه اطلاعاتی سری	- حفظ نظام، وحدت و امنیت - توجه به ویژگی‌ها و مشکلات اقلیت‌های مذهبی و قومی	بایدهای جهت‌بخش اخبار سیاسی	

نمونه کاربردی: برجسته‌سازی خبر با هدف اشراف بر استنباط مخاطب

با به کارگیری این شیوه، تولیدکنندگان خبر از طریق با اهمیت جلوه دادن یک موضوع خبری، برای مخاطب مشخص می‌کنند که به چه چیزی باید بیاورند و چه چیزی اهمیت دارد که می‌تواند با اهداف سیاسی، اقتصادی مثبت و یا در راستای قدرت نرم به منظور اهداف منفی صورت بگیرد. این کار با شیوه‌های مختلفی چون تکرار واژه‌ها و یا تکرار موضوع در یک محدوده زمانی خاص، اتخاذ برخی شیوه‌ها در تیترو نویسی، استفاده از گیومه، چاپ خبر در صفحه نخست مطبوعات، چینش در کندانکتور و نحوه بیان خبر در تلویزیون و رادیو و ... صورت می‌گیرد. به طور قطع، اعمال چنین شیوه‌ای با اهداف منفی، با مبانی هستی‌شناسی فقه خبر و اطلاع‌رسانی از جمله امنیت، وحدت و حفظ نظام سازگاری ندارد. همچنین با احکام کلی محتوای خبر، از جمله لزوم مبرا بودن از موانع شناخت و لزوم حقیقت‌نما بودن محتوای خبر، مغایر است. البته در مثل آموزه‌های قرآنی، کلام اهل بیت ع، آموزه‌های نهج‌البلاغه و ادعیه اهل بیت ع اصرار بعضاً بر بعضی از عناوین، نکات، نقاط و یا تکرار بسیاری از فرازهای قرآنی، کم یا بیش

ص ۳۱۲			
محمد رضا مظفر، ج ۱، صص ۷۸ و ۸۰.	رعایت فصاحت کلام		بلاغت خبر
آل عمران (۱۲۱) سید محمد حسین طباطبایی، ج ۴، ص ۵.	رعایت شرایط و حال مخاطب		
تحف العقول (ص ۴۴)	ابراهیم (۱)	گسترش آگاهی در جامعه	بایدهای انتشار خبر
نهج البلاغه (نامه ۵۳)	اسراء (۷۰)، نساء (۳۶)	رعایت کرامت انسانی مردم	
جامع الاخبار (ص ۱۴۵)، تحف العقول (ص ۳۴۱)	نحل (۹۰)	رعایت عدالت در انتشار خبر	
جامع الاخبار (ص ۳۷)، تحف العقول (ص ۲۵)	بقره (۲۰۸)	رعایت امنیت اجتماعی	
اسراء (۱۰۶)	زمان مناسب	توجه به اصل زمان و مکان	
توجه به شأن نزول آیات و مکی و مدنی بودن آن‌ها	مکان مناسب		
نهج البلاغه (خطبه ۲۰۶)	طه (۴۴)، انعام (۱۰۸)	رعایت آداب سیاسی در برخورد با دشمنان	
-	نساء (۴۴)، نساء (۵۱)	عدم گسترش بدعت‌های ویرانگر	
-	بقره (۴۲ و ۲۸۳)	عدم کتمان حق	
من لا یحضره الفقیه (ج ۴ ص ۳۳۴)	نساء (۱۴۱)	عدم زمینه‌سازی برای تسلط دشمنان و ایجاد امیدواری برای آنان	
نهج البلاغه (خطبه ۶۸)	زمر (۹)	عدم ایجاد بی‌اعتمادی در مخاطب با عدم پوشش صحیح	

نمونه کاربردی: استناد به منابع موثق

«در برخی موارد، رسانه‌ها خود موفق به کسب خبر درباره موضوعی خاص نمی‌شوند و به منظور عقب نماندن از دیگر رقبا و پاسخگویی به مخاطب، اقدام به استفاده از خبر دیگر رسانه‌ها و مستند کردن خبر از طریق نام رسانه منتشر کننده خبر می‌کنند. در اینجا استناد و موثق بودن خبر به لحاظ وجود شخصیتی حقیقی و یا حقوقی نیست؛ بلکه آنچه به خبر اعتبار می‌دهد، وجود یک خبرگزاری یا شبکه اطلاع‌رسانی و سخن‌پراکنی معتبر است که دیگر بنگاه‌های

خبری به نقل از آن، اقدام به انتشار خبر می‌کنند» (قربانی، ۱۳۹۰: ۹۹). در این جاست که باید شرایط مطرح شده در سامانه کلان‌نگر احکام فقهی منبع خبر از جمله وثوق، عدالت، ضبط و تخصص رعایت شود. علاوه بر این موارد باید به مباحث حجیت خبر نیز توجه کافی را داشت.

سامانه کلان‌نگر احکام فقهی مخاطبان خبر

مخاطب (دریافت‌کننده) خبر، در کنار تولیدکننده و انتقال‌دهنده خبر، از جمله عناصر مهم جریان خبررسانی است که همراه و هماهنگ کردن او متناسب با مفاهیم اخبار گزینش شده، از جمله اهداف صاحبان و منتقل‌کنندگان خبر است. آنچه مسلم است، این است که شیوه عملکرد مخاطبان در برخورد با خبر، به شدت بر میزان تأثیر اخبار بر جامعه هدف، مؤثر است. عکس‌العمل انفعالی مخاطبان، در مواجهه با خبر، موجب می‌شود مولدان و صاحبان خبر، به راحتی بتوانند جامعه مخاطب خود را سمت و سو بدهند و آنان را به سمتی هدایت کنند که می‌خواهند. در مقابل، چنانچه مخاطبان خبر نیز الگوی رفتاری مناسب و از پیش تعیین‌شده و مبتنی بر چارچوب‌های الهی داشته باشند، ناخواسته در مسیر از پیش مشخص شده مولدان و صاحبان خبر قرار نخواهند گرفت و چه بسا با شیوه عکس‌العمل خود در مقابل اخبار منتشر شده، بتوانند به مولدان خبر سمت و سو بدهند. و در این حالت است که می‌توان گفت جامعه، جامعه‌ای پویا و رو به رشد است. در جدول شماره ۳ اجمالاً برخی از این موارد ذکر می‌شود.

جدول شماره ۳: سامانه کلان‌نگر احکام فقهی مخاطبان خبر

سامانه کلان‌نگر احکام فقهی مخاطبان خبر			
کشف الريبیة (۱۸)، مستدرک الوسائل (ج ۹ ص ۱۳۳)، وسایل الشیعه (ج ۱۲ ص ۲۹۳)، الامالی شیخ صدوق (ج ۴ ص ۱۵)، مکاسب (ج ۱ ص ۳۶۳)	-	رد غیبت و گوش ندادن به آن	احکام ناظر به برخورد مخاطب با کالبد، صدق یا کذب خبر
الامالی شیخ صدوق (ج ۴ ص ۱۱)، نهج البلاغه (خطبه ۱۸۴)	نساء (۱۴۸)	نهی چاپلوس از بیان سخنان تملق‌آمیز	
تحف العقول (ص ۲۲۲)	قلم (۱۱)، حجرات (۶)، لقمان (۱۷)	تکذیب سخنان سخن‌چین	
	انعام (۶۸)، مائده (۵۷)	منع استهزاکننده از	

		تمسخر دیگران	
	آل عمران (۱۶۱)، فرقان (۵ و ۶)، اعراف (۶۰ و ۶۱)، نور (۱۲)	تکذیب شایعه	
مصباح الشریعه (ص ۱۷۳)	حجرات (۶)	برداشت مبتنی بر حسن ظن	
نهج البلاغه (حکمت (۱۷۹)	محمد (۲ و ۳)، عصر (۳)	رعایت حق‌مداری	
-	شعراء (۷۴)	احترام به سلايق شخصی افراد موضوع خبر	
تحف العقول (ج ۱ ص (۲۶۷)	-	عدم واکنش سریع در تفسیر خبر	
-	احزاب (۵۸)، حجرات (۱۱)، لقمان (۱۸)	به دور بودن تفسیر خبر از هرگونه توهین	
-	نور (۱۹)	عدم اشاعه هرگونه خبر صحیحی	
-	نساء (۸۳)	کسب آگاهی از افراد مطلع و آگاه در حقیقت‌جویی خبر	
رجال الکشی (ص ۴۸۷)	-	در نظر گرفتن شرایط مخاطب به هنگام نقل خبر	احکام مربوط به توزیع خبر از سوی مخاطب
-	نور (۱۵)	عدم انتقال خبری که به صحت آن اطمینانی وجود ندارد	
الکافی (ج ۱ ص ۵۴)	-	لزوم انتشار خبر صحیح توسط مخاطب	

نمونه کاربردی: ابهام‌گذاری منبع خبر

منابع خبری اعلام کردند: ... و یا یک منبع آگاه گفت: ...؛ از جمله راههایی است که در تولیدات خبری برای پنهان کردن منبع خبر از آن استفاده می‌شود. اگر پنهان‌سازی منبع خبر به این دلیل باشد که منبع خبر خواستار افشا نشدن نام و مشخصات

خود است؛ تنها در صورتی می‌توان خبر آن منبع را منتشر کرد که ویژگی‌های لازم منبع و دیگر شرایط ضروری انتشار اخبار در نظر گرفته شود. از دلایل عدم ذکر قائل در آموزه‌های دینی، آن است که مخاطب متأثر از منبع خبر در استنتاج از اصل خبر دچار واژگونی فهم نشود. حدیث: «منگر که چه کس گفت، بنگر که چه چیز گفت» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۸) از همین منظر است.

علاوه بر این موارد، در صورتی هم که خبر مهم اما منبع ضعیف است، به نظر می‌رسد نمی‌توان آن خبر را منتشر کرد؛ زیرا با شرایط منبع خبر برای حصول اطمینان در انتشار خبر تطابق ندارد و در حالتی که اطلاعات و صحت خبر کامل نیست و با شبهه روبروست و یا اینکه خبر از ریشه، نادرست و غیر واقعی است و قرار است با هدفی خاص منتشر شود؛ نباید اقدام به انتشار چنین خبری کرد؛ چرا که از طرفی با اصول ارزشی خبر و خبر رسانی، مثل لزوم مبرا بودن خبر از شایعه و دروغ مغایر است و از طرفی با احکام فقهی مخاطبان خبر از جمله احکام مربوط به توزیع خبر از سوی مخاطب سازگاری ندارد.

سامانه کلان‌نگر ویژگی‌های شاغلان خبر

رسانه‌ها از نظر تکنولوژی دارای کارکردهای مخصوص به خود هستند. بنابراین، هر کدام معایب و مزیت‌هایی نسبی را دارا می‌باشند که تا حد زیادی به شیوه به کارگیری این تکنولوژی توسط انسان بر می‌گردد؛ چرا که رسانه‌ها مولود اندیشه و تفکر انسان هستند و از آن‌جا که ارتباط بین انسان و ابزار از نوع رابطه فاعلی با معلول خود است، میزان تأثیرگذاری آن در جنبه مثبت و یا منفی، به نحوه استفاده انسان از آن برمی‌گردد. به بیانی می‌توان انسان را محور کانونی ساختار رسانه و حوزه اطلاع‌رسانی و عملکردهای آن دانست. از همین وجه نظر؛ یعنی وجه انسان‌شناخت رسانه، فاعلان انسانی رسانه، حاملان بایدها و نبایدهایی فقه‌شناخت، تفسیر می‌شوند. حوزه خبر و اطلاع‌رسانی نیز تا حد زیادی متأثر از اندیشه، تصمیم‌گیری و نحوه عملکرد کارکنان و فعالان حوزه خود می‌باشد. تعریفی که هر کدام از نیازهای انسان، ارزش‌های حیاتی بشر و شیوه رفتاری مطلوب انسان دارند در نحوه‌گزینش، چینش و انتشار خبر مؤثر است. بنابراین، این حوزه نیز مانند هر حوزه تخصصی دیگری از مشاغل، نیازمند ارائه الگویی کامل و جامع، برای گزینش کارکنان و علاقه‌مندان به فعالیت در این حرفه است؛ علاوه بر این که برخی از مؤلفه‌ها، امکان گزینش و انتخاب نیرو را در این عرصه فراهم می‌کند، به متقاضیان و شاغلان این حرفه نیز کمک می‌کند تا با آگاهی بیشتری از خصوصیات رفتاری و شغلی لازم وارد این عرصه شوند. در جدول شماره ۴ به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

جدول شماره ۴: سامانه کلان‌نگر ویژگی‌های شاغلان خبر

سامانه کلان‌نگر ویژگی‌های شاغلان خبر			
بایدهای عمومی شاغلان، ناظر به حوزه‌های دریافت، تحلیل و توزیع خبر	رازداری	جن (۲۶ و ۲۷)	الامالی شیخ طوسی (۵۳۷)، تحف العقول (۳۱۵)
بایدهای مربوط به دریافت و تحلیل خبر	صبر	قلم (۴۸)، روم (۶۹)، مزمل (۱۰)، طه (۱۳۰)	کنزالفوائد (ج ۱ ص ۲۷۸)، الکافی (ج ۲ ص ۸۷)
	نظم	-	نهج البلاغه (نامه ۵۳)
	امانتداری	نساء (۵۸)	الکافی (ج ۲ ص ۱۰۴)
	دانش و تخصص کافی	اسراء (۳۶)	-
بایدهای مربوط به دریافت و تحلیل خبر	ظرفیت بینشی و تحلیلی	غاشیه (۱۷-۲۰)، قیامه (۲۳)	-
	مهربان و دلسوز نسبت به مردم	توبه (۱۲۸)	-
	اعتماد و احترام به فهم مخاطب	-	عقدالفريد (ج ۴ ص ۳۱۹)
بایدهای مربوط به توزیع اصل خبر و اصول مربوط به آن	صداقت	-	تحف العقول (۲۱۷)، الامالی شیخ صدوق (۳۳۰)، مناقب آل ابی طالب (ع) (ج ۱ ص ۴۶)
	قدرت تشخیص اهم و مهم	-	رک: ناصر مکارم شیرازی، ص ۹۳ و مرتضی مطهری، ص ۱۰۸.
	حیا برای پرهیز از اشاعه فحشا	نساء (۴۳)	مستدرک الوسائل (ج ۸ ص ۴۶۵)، الکافی (ج ۲ ص ۱۰۶)
	شجاعت	-	مکارم الاخلاق (ص ۱۸)

نمونه کاربردی: کلی بافی

در این شیوه از ارائه خبر، اطلاعات به صورت کلی و با عمق بسیار کم بیان می‌شود و در نتیجه مخاطب را با انبوهی از پرسش‌ها روبه‌رو می‌کند؛ در حالی که حجم اطلاعات بسیار بالاست. اتخاذ این شیوه چنانچه به دلیل حفظ منافع ملی در برخی از بحران‌های سیاسی و اجتماعی مانند جنگ صورت بگیرد؛ نمونه‌ای از رعایت اصل حفظ نظام و همچنین این اصل که خبر باید

منجر به تحکیم روحیه استقامت در برابر دشمنان شود، خواهد بود. ولی چنانچه بر اساس برخی از ملاحظات سیاسی و اداری‌ای که توسط صاحبان رسانه و قدرت که بر اساس منافعشان اتخاذ می‌کنند، صورت بگیرد؛ نمونه‌ای از لزوم رعایت اصولی چون؛ آگاهی‌بخشی و میرا بودن از موانع شناخت، از احکام محتوای خبر و رعایت کرامت انسانی مردم، عدم کتمان حق و عدم ایجاد بی‌اعتمادی در مخاطب با عدم پوشش صحیح و شجاعت در بیان واقعیت‌ها می‌باشد.

۳- سطوح کاربردی مدیریت راهبردی

سطوح کاربردی و مدیریتی عینیت‌بخشی احکام فقهی - حقوقی خبر و اطلاع‌رسانی، به مثابه عرصه جریان احکام فقهی - حقوقی در متن وضعیت‌های عینی، فردی و اجتماعی است. با این برداشت تحلیلی که عینیت فقاقت و تحقیق‌یابی آن در گرو حاکمیت فقه‌بنیان است و با توجه به این نکته که خبر و خبررسانی در جهان جدید مضمون و ساختار کاملاً تازه و مستحدثه‌ای یافته است، می‌توان مبتنی بر آموزه‌های فقه خبر و اطلاع‌رسانی، دانش مبنا و مورد نیاز الگوی مدیریت خبر و مسائل مستحدثه آن را در اختیار نهاد مدیریت اطلاعات در نظام و حاکمیت فقه‌بنیان جامعه دینی (نظام ولایت فقیه) گذاشت. علاوه بر این، معلوم می‌گردد که مبتنی بر دانش فقه خبر و اطلاع‌رسانی و سامانه احکام استنباط شده آن، می‌توان به حوزه مدیریت برنامه‌ریزی راهبردی خبر و اطلاع‌رسانی وارد شد و اصول کاربردی و توسعه‌ای حوزه خبررسانی را پیشنهاد نمود و نظام احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی را در نظام حقوقی کشور جریان داد.

نظام ولایت فقیه در منظومه نظریه‌پردازی اندیشه دین شناخت پیشرفت، وام‌دار نظام ولایت فقه است بدین‌سان نظام ولایت فقه خبر و اطلاع‌رسانی، وجه دانشی نظام مدیریت اطلاعات در نهاد حاکمیتی ولایت فقیه است. بهره برجسته این بخش به حسب مقدر این پژوهش، این آموزه بلند است که نظام ولایت فقیه، نظام مدیریت فقه‌بنیان در همه سطوح راهبردی مدیریت اجتماعی و نهاد دولت - ملت است.

در راستای پردازش فقه در دین‌شناخت نظام جمهوری اسلامی، در عرصه دانش فقه، دو بهره برجسته پدید آمد که یکی در نظر گرفتن دانش فقه^۱ به عنوان ستون دانشی و اندیشه‌ای پردازش اندیشه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است و دیگری که به تبع همین بهره پدید می‌آید مطرح شدن ایده ولایت فقیه است. نکات مطرح شده در این دو بهره عبارت است از اینک:

۱. چه در عرصه فقه اصغر یا همان فقه در احکام و چه در عرصه فقه اکبر یا همان فقه در دین.

۱- اندیشه و دانش فقه، صرفاً عهده‌دار پردازش قوانین تحول، پیشرفت، رشد و کمال فردی نیست و در حوزه مدنیت، اجتماع و حاکمیت نیز توانایی پاسخگویی دارد.

۲- دانش فقه، بنیان دانشی مدیریت تحول تلقی شده و در همین رابطه حوزه‌های تخصصی فقه باید کارکرد دانشی خود را در مدیریت مسائل عینی جامعه هدف، نشان دهد.^۱ به عینیت رسیدن ایده ولایت فقیه در گرو این است که نظام ملی مدیریت پیشرفت، مبتنی بر فقه باشد. پردازش نقشه جامع علم^۲ و نقشه جامع علمی^۳ دو مقوله‌ای هستند که این سامانه دانشی در آن‌ها جریان می‌یابد.

۳- همه حوزه‌های دانشی معارف درون دینی و به طور خاص، حوزه فقه، باید در سه لایه تحلیلی مبانی نظری - ارزشی هر علم، الگوی دانشی آن علم (برای مثال سامانه احکام فقهی در علم فقه) و سطوح کاربردی دانش یاد شده، ساختار بندی شوند.

حاکمیت فقه قرآنی - اوصیایی در نظام جمهوری اسلامی هم از سویی، و امدار تناسب روش‌مند با مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی آن است و هم از سویی دیگر، ظرفیت جریان یافتن در مدیریت راهبردی آینده‌نگار جمع‌ها و جامعه‌ها و معادلات انسانی و اجتماعی را دارد. هم از این رو، لازم می‌آید به فصل کاربردی آموزه‌های فقهی به طور عام و فقه خبر و اطلاع رسانی به طور خاص، نظر بیفکنیم، ولایت‌مندی فقه خبر و اطلاع رسانی در پرتو فصل مدیریت عینیت‌ها بر کرسی عینیت اقدامی و عملیاتی جامعه هدف نشسته و فصل مدیریت خبر و اطلاع‌رسانی‌ای ولایت فقیه را مبرهن‌تر می‌سازد. مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی، موضوع بخش نهایی این تحقیق است. مقوله مرجعیت فقه و فقیهان آموزه‌های حقه انبیایی، محمدی و علوی، در چشم‌انداز الگوی مدیریت راهبردی، فرایند نسبت‌داری خویش را با مقوله ولایت فقیه می‌یابد. مرجعیت موجود فقهی در حوزه‌های فکر دینی از فرآوری جایگاه معرفت‌شناختی و مدیریتی فقاقت قرآن - اوصیایی، بالنسبه غایب بود و این غیبت معرفت‌شناختی موجب آن شد تا در متمم قانون اساسی، شرط مرجعیت از ولایت فقیه برداشته شود، چنانکه نوع الگوی موجود مرجعیت، در حوزه‌های فکر دینی از چنین ظرفیتی غایب بوده‌اند. اگر چه در آن دوره، راه حل سلبی، چاره دیده شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی بود، چاره‌اندیشی ایجابی اقتضای ظرفیت‌گیری دانش فقه، آموزش و پژوهش فقه، در راستای اصل ولایت فقیه و مدیریت فقه‌بنیان دولت - ملت و نظام اجتماعی پیشنهادی است. مباحث فهرست شده در سه بخش اصلی این تحقیق، بهانه‌های کاربردی در یک نمونه از حوزه‌های دانشی فقه در احکام است و

۱. این نکته ناظر به بحث مطرح شدن ایده ولایت فقیه است.

۲. الگوی ملی تولید علم در کشور.

۳. الگوی ملی مدیریت دانش‌بنیان پیشرفت در کشور.

منطق کلی حاکم بر این چشم‌انداز معرفت‌شناختی در دیگر حوزه‌های دانشی فقه، تسری دارد.

سوم: روش‌شناسی برگزیده فقه خبر و اطلاع‌رسانی

چنانچه معتقد باشیم که اصولاً فقه هنجاری خبر و اطلاع‌رسانی؛ عبارت است از دانش استنباطی قواعد کلی حاکم بر مدیریت فرایند اطلاعات؛ یعنی فرایند تولید، توزیع و مصرف اطلاعات، از این چشم‌انداز با چهار دسته اصول راهنمای تحقیق فقه‌ای، روبرو هستیم که برخی از آن‌ها در سنت روش‌شناسی فهم مرسوم حوزوی، پیشینه دارد و برخی هم به تازگی وارد منظومه روش‌شناسی شده‌اند و تحت عنوان منطق محتوا، شناخته و در عرف مباحث حوزوی، با عنوان علم اصول مطرح می‌شوند. بنابراین، چهار دسته اصول راهنمای علم اصولی یا روش‌شناختی فقه، به قرار زیر، مد نظر خواهد بود با توجه به این نکته که هر کدام از این روش‌شناسی‌ها و متدولوژی‌ها می‌توانند در بردارنده اصول متعددی باشند:

۱- روش‌شناسی منطق استنباط، با رویکردی فرا فقه در احکام‌نگر و از چشم‌انداز روش‌شناسی خاص پژوهش تفسیری دو متن قرآن کریم و سنت آل‌البیت ع؛ شامل همه عرصه‌های معارفی درون دینی. با توجه به علم اصول رایج در حوزه‌های دینی، یک روش، روش‌شناسی منطق استنباط نام دارد که از چشم‌انداز روش‌شناسی خاص پژوهش منابع دینی، اعم از قرآن کریم و سنت اهل بیت ع، می‌توان به قواعد مدیریت اطلاعات پرداخت (ن.ک: صدر، ۱۳۸۷). در این فصل اصول روش‌شناختی، باید حیث نسبت حکم با منبع معتقد دینی (عقل، وحی و سنت) تمام شود؛ یعنی تضمین اینکه این استنباط، استنباط سره و خالصی از منابع دین است. علم اصول یا منطق استنباط، به مفهوم دقیق‌تر روش‌شناختی آن، این است که این نسبت با منبع استنباط را تمام و قطعی کنیم و در حد احراز عدم مخالفت هم اقتناع نشود، بلکه به احراز موافقت قطعی، بها داده شود؛

۲- روش‌شناسی منطق سیستمی یا نظام‌پردازی فقهی، در شناخت سیستم حاکم بر احکام و فهم مجموعه‌ای احکام، در قالب عرصه‌هایی چون نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام حقوقی یا نظام خبر و اطلاع‌رسانی؛

روش دوم، در بحث نظام‌پردازی مباحث فقهی است. عملاً بعد از انقلاب اسلامی ایران، این تجربه به طور جدی‌تری وجود داشت، که البته شهید صدر پیش از انقلاب به این نکته توجه داشته‌اند و آن اینکه در مدیریت یک پدیده اجتماعی یا انسانی که به دنبال استنباط احکام حاکم بر آن پدیده هستیم، تنها استنباط مفردات احکام کفایت نمی‌کند. مثلاً در حوزه اقتصاد اسلامی، قواعد کلی حاکم بر رفتار حاکم و دولت دینی در مدیریت اقتصاد، کدام است؟ پاسخ این پرسش‌ها یک موضوع خاص معین فقهی و یک حکم معین نیست؛ بلکه اصلی حاکم بر

مجموعه‌ای از اصول و راهنمای جهت‌دهی به آن مجموعه یا سامانه کلی احکام فقهی است. این روشی است که به عنوان مثال علامه شهید سید محمد باقر صدر در اقتصادنا (ن.ک: صدر، ۱۳۵۷)، مصداقی از آن را به سامان آورده‌اند؛ یعنی افزون بر بحث مفردات احکام، به سیستم احکام نیز توجه کرده‌اند. بنابراین دومین دسته اصول و راهنمای تحقیق، روش‌شناسی منطقی سیستمی است که در واقع ما را به نوعی نظام‌پردازی فقهی در شناخت سیستم حاکم بر احکام و فهم مجموعه احکام می‌رساند. مستند به این روش‌شناسی می‌توان به سیستم اقتصادی، سیستم سیاسی و سیستم مدیریت هنجارین اجتماعی خبر و اطلاع‌رسانی دست یافت. (دستیابی به احکام کلی حاکم بر جریان مدیریت اطلاعات یعنی دست یافتن به سیستم)

۳- روش‌شناسی مدیریت راهبردی، در فصل مدیریت فقه بنیان خبر و اطلاع‌رسانی و به تعبیری استنباط احکام حکومتی و جریان‌دهی آن در نظام حاکمیت؛

سومین دسته روش‌شناسی که در بخش احکام حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، بحث روش‌شناسی مدیریت راهبردی است. به این بیان که در فصل مدیریت فقه بنیان خبر و اطلاع‌رسانی به عنوان مثال، در استنباط احکام حکومتی یا قوانین تنظیم امور یا قوانین مدیریت راهبردی حوزه خبر و اطلاع‌رسانی، چگونه باید قواعد را از منابع دینی استنباط کرد؟ که برای دستیابی به این دسته از قواعد و قوانین، روش‌شناسی مدیریت راهبردی مورد نیاز است. حکومت دینی برای اینکه احکام را نه فقط درباره موضوعات معرفی کند، بلکه احکام الهی را در موضوعات متفاوت محقق کند، یک منطقی یا روشی به نام منطقی مدیریت راهبردی نیاز دارد که از مرحله تبدیل آن، منظومه احکام به منظومه اهداف و سیاست‌ها به منظومه راهبردها، به منظومه برنامه‌های عملی می‌رسد؛ یعنی گذار از احکام؛ یعنی از آن نظام وضعیت مطلوب که احکام فقهی و اخلاقی، آن را پوشش می‌دهد، به سمت تدوین اهداف عملیاتی، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی حرکت کند؛

۴- روش‌شناسی پژوهش موضوعی خبر و اطلاع‌رسانی که عمدتاً شامل روش‌شناسی‌هایی، در حوزه مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خبر و اطلاع‌رسانی، اقتصاد خبر و اطلاع‌رسانی و مانند آن می‌شود (مدیریت اطلاعات بنیان).

آخرین روش، روش‌شناسی پژوهش موضوعی خبر و اطلاع‌رسانی است. فقه مولد، ناگزیر باید به شناخت موضوعات هم‌همت بگمارد، به اینکه افزون بر استنباط احکام، برای حوزه مدیریت کلان فقه‌بنیان، نیاز داریم که روش‌شناسی فهم موضوع را هم در اختیار داشته باشیم. از این رهگذر، به حوزه روش‌شناسی حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای به خصوص، در مثل مطالعات اقتصاد خبر و اطلاع‌رسانی، فرهنگ خبر و اطلاع‌رسانی، سیاست خبر و اطلاع‌رسانی و از این قبیل، در حوزه فقه هنجارین خبر و اطلاع‌رسانی برای مثال، نیز احتیاج داریم.

نتیجه‌گیری

آن‌گونه که در مقدمه این مقال بیان شد، سرفصل مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در سه عنوان مبانی، سامانه کلان‌نگر احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی و اصول مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی ارائه گردید:

۱- مبانی نظری - ارزش‌شناختی فقه خبر و اطلاع‌رسانی که به تعبیری دیگر مبانی پارادایمی استنباط فقهی در فقه خبر و اطلاع‌رسانی است، به طور خاص شامل مبانی فلسفه دینی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی و زیباشناختی می‌باشد. هفت‌گانه یاد شده الگوی بنیادین استنباط فقهی را شکل می‌دهد و استنباط فقهی هیچ‌گاه بر حذر و مستقل از مبانی یاد شده رخ نمی‌دهد و جریان نمی‌گیرد؛

۲- سامانه احکام فقهی - حقوقی خبر و اطلاع‌رسانی و در این رابطه نظام مطلوب فقه‌شناخت خبر و اطلاع‌رسانی شامل سامانه، دستگاه یا سیستم شایدها و بایدها و نشایدها و نبایدهای فقهی - حقوقی خبر و اطلاع‌رسانی و مدیریت فرایند اطلاعات است. آنچه از احکام فقهی در مثل موضوع خبر و اطلاع‌رسانی در مباحث مرسوم فقهی می‌آید در این سامانه جامع جای‌گیر است؛

۳- سطوح کاربردی و مدیریتی عینیت‌بخشی احکام فقهی - حقوقی خبر و اطلاع‌رسانی به مثابه عرصه جریان احکام فقهی - حقوقی در متن وضعیت‌های عینی، فردی و اجتماعی است.

در راستای این سه یافته برجسته و در برآیند آن‌ها از جمله می‌آموزیم که:

۱- ایده ولایت فقیه از ایده ولایت فقه بر می‌آید و ولایت‌مندی فقه، در گرو اهتمام به استنباط قوانین و احکام کلی همه عرصه‌های رشد و حیات فردی - اجتماعی است؛

۲- بر بنیان ایده ولایت فقه، بدین‌سان رکن تحلیلی نظریه جمهوری اسلامی یا مدنیت معاصر اسلامی دریافته می‌شود و جایگاه فقه خبر و اطلاع‌رسانی و ولایت‌مندی این فقه در حوزه مدیریت اطلاعات و فرایند اطلاعات آشکار می‌شود.

در راستای نتایج برگرفته خویش که پیش‌تر فهرست شد حوزه‌ها و موضوع‌های چندی برای پژوهش‌های آتی پیش‌نهاد می‌شود و برخی پیشنهادات را پیش‌رو می‌گذارد:

- نمونه حوزه‌ها و موضوع‌های پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی

- تبیین نسبت دانش فقه در احکام با ادراک جامع‌نگر دین‌شناخت رشد یا تفقه در دین

- تبیین نسبت فقه خبر و اطلاع‌رسانی با ایده ولایت فقیه

- نقش خبر و اطلاع‌رسانی فقه‌بنیان در کارآمدی و اثرگذاری ولایت فقیه

- پژوهش بنیادین در چیستی معرفت‌شناختی فقه خبر و اطلاع‌رسانی

- مبانی پارادایمی (فلسفه دینی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی)

- ارزش‌شناختی، روش‌شناختی و زیباشناختی) فقه خبر و اطلاع‌رسانی
- راه‌اندازی نهاد ملی پژوهش فقه خبر و اطلاع‌رسانی برای مدیریت دانشی مطالعات فقه خبر و اطلاع‌رسانی
 - چپستی سیستم و نظام احکام فقه خبر و اطلاع‌رسانی و تفاوت آن با فقه عنصرنگر خبر و اطلاع‌رسانی
 - تدوین نظام ملی حقوق خبر و اطلاع‌رسانی
 - برآورد نسبت دانش فقه با حوزه مدیریت راهبردی ملی به طور عام و مدیریت اطلاعات به طور خاص

برخی توصیه‌ها و ضرورت‌ها

- ۱- ضرورت توجه و رویکردی افزون‌تر به بازخوانی ماهیت معرفت‌شناختی علم فقه، به طور خاص از چشم‌انداز نسبت آن با سامانه جامع اندیشه ادراکات و دانش‌های درون‌دینی (و مشخصاً فقه در دین)، آن هم با تاکید بر محوریت اندیشه دین‌شناخت پیشرفت و کارکرد بنیادین آن دانش مبنا (علم فقه)، با توجه به جایگاه آن، در پردازش ایده ولایت فقه - ولایت فقیه و نقش دانش مربوط در نظام حاکمیت دین.
و چند بهره مقدماتی:
 - ضرورت نگاه جدید به آیات و روایات و ادعیه به عنوان منبعی عظیم برای استنباط حکم فقهی
 - ارائه تعریف جدیدی از فقه یا به بیانی بازگشت به معنای اولیه آن استنباط احکام کلی حاکم بر حرکت (هر اعتقاد، گفتار و رفتار ارادی انسان) که در این صورت فقه وارد دامنه جدید و وسیعی از حوزه فعالیت خود می‌شود.
 - ارائه تعریف جدیدی از خبر در فضای مدیریت فقه بنیان خبر و خبر و اطلاع‌رسانی
 - ضرورت و امکان ورود به پردازش حوزه‌های میان رشته‌ای
 - نیاز خبر و اطلاع‌رسانی به توسعه دامنه معنایی بایدها
- ۲- ضرورت توجه به ساختار سه لایه‌ای نظام اندیشه فقاهتی از جمله در حوزه فقه خبر و اطلاع‌رسانی، از مبانی نظری - ارزشی (پارادایمی، شامل مبانی فلسفه دینی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، روش‌شناختی و زیباشناختی) فقه تا سامانه احکام فقاهتی در تبیین وضعیت مطلوب و تا سطوح کاربردی جریان تعالیم فقهی قابلیت و ظرفیت وسیع و عمیق مبانی نظری و ارزشی (اخلاقی) برای ورود به عرصه دانشی احکام فقهی، در ذیل این ضرورت دریافته می‌شود.
- ۳- ضرورت توجه به عرصه‌های مستحده مورد نیاز جریان فقه مانند حوزه خبر و اطلاع‌رسانی،

حوزه هنر و عرصه فرهنگ

۴- ضرورت بازخوانی روش‌شناسی مبنای پژوهش‌های فقهی مانند به کارگیری روش پژوهش
مجموعه‌نگر و مانند آن

۵- ضرورت اهتمام شایسته به کارکرد حاکمیتی و حکومتی دانش فقه به طور عام و مدیریت
فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی‌ای به طور خاص

چند نمونه بهره این نکته:

- انحصار مدیریت شایسته و بایسته در مدیریت فقه‌بنیان

- لزوم پردازش به حوزه مدیریت فقه‌بنیان خبر و اطلاع‌رسانی با توجه به تأثیرگذاری آن در
فرایند مدیریت راهبردی فرهنگ

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امام صادق (ع) (۱۴۰۰ ه. ق) مصباح الشریعه، بی‌جا: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ه. ق) المکاسب، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.
- بارکر، کریس (۱۳۹۱) مطالعات فرهنگی، مترجمان: مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ترکشوند، علی‌اصغر (۱۳۸۹ ه. ش) الگوی هنجاری ملی خبر و اطلاع‌رسانی ملی از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ ه. ش) غرر الحکم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ج ۱، چاپ اول.
- تودور، اندرو (۱۳۹۲) نظریه و روش در مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورسید آقایی، سید مسعود (۱۳۸۹ ه. ش) دین و نظام‌سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، قم: انتشارات لیله‌القدر، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ ه. ش) تفسیر انسان به انسان، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم.
- ----- (۱۳۸۶) معارف قرآن (۳-۱)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰) شرح و تفسیر نهج البلاغه، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۸.
- ----- (۱۳۸۸) حیات معقول، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ دوم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه. ق) وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- حرّانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ه. ق) تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰ ه. ش) مدیریت راهبردی، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ اول.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۳) الحیاه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- حسومی، ولی‌الله (۱۳۸۸ ه. ش) دراسات فی علم الدرایه، غفاری صفت، علی‌اکبر؛ صانعی‌پور، محمد حسن، قم: انتشارات دانشکده اصول‌الدین، چاپ اول.
- راین، آلن (۱۳۶۷) فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ربانی‌گلپایگانی، علی (۱۳۹۲) ضرورت و قلمرو دین، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸) منطق فهم دین، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- شعیری، تاج‌الدین (۱۴۰۵ق) جامع‌الخبار، قم: انتشارات رضی، چاپ اول.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۵۷) بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج ۲، ج ۱.
- ----- (۱۴۲۱ق) دروس فی علم الأصول (الحلقه الثانیة)، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر، چاپ اول.
- ----- (۱۳۸۱) الفتاوی الواضحه ووفقا لمذهب اهل البیت علیهم‌السلام، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- ----- (۱۳۵۷) بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، ج ۲ و ج ۱، چاپ دوم.
- صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ----- (بی تا) الأملی، بی‌جا: انتشارات کتابخانه اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن (۱۳۸۵ق) مشکاة الأنوار، نجف اشرف: کتابخانه حیدریه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ق) الأملی، قم: انتشارات دارالتقافه.
- فخار طوسی، جواد (۱۳۸۵ش) پژوهشی فقهی در خبر و خبرگزاری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۵) پاره‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- قربانی، حسن (۱۳۹۰) شگردهای خبرنگاری، تهران: سروش، چاپ اول.
- عاملی، حسن بن زین‌الدین (۱۳۹۰ش) کشف الریبه، قم: انتشارات مرتضوی.
- عابدی شاهرودی، علی؛ کاتوزیان، ناصر؛ لاریجانی، صادق؛ مجتهد شبستری، محمد و ملکیان، مصطفی (۱۳۸۰) گفت وگوهای فلسفه فقه، قم: بوستان کتاب قم، چاپ دوم.
- عسکری خانقاه، اصغر؛ شریف کمالی، محمد (۱۳۹۰) انسان‌شناسی عمومی، تهران: سمت، چاپ ششم.
- غفاری صفت، علی‌اکبر؛ صانعی‌پور، محمد حسن (۱۳۸۸) ترجمه دراسات فی علم الدرایه، مترجم ولی‌الله حسومی، قم: انتشارات دانشکده اصول‌الدین، چاپ اول.
- غفاریان، وفا و غلامرضا کیانی (۱۳۸۶) استراتژی اثربخش، تهران: فراه چاپ چهارم.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ش) رجال الکشی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق) الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- کوهن، تامس (۱۳۹۳) ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- ----- (۱۳۹۲) ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه عباس طاهری، تهران: نشر قصه، چاپ سوم.
- کتاک، کنرادفیلیپ (۱۳۸۶) انسان‌شناسی کشف تفاوت‌های انسانی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران:

انتشارات علمی.

- گیسلر، نورمن (۱۳۹۱) فلسفه دین، ترجمه حمیدرضا آیت‌اللهی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴.ق) بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸.ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البیته علیهم السلام، چاپ اول.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی عمومی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۶.ش) درایه الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷) مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا ج ۲، چاپ شانزدهم.
- ----- (۱۳۸۶) نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهل و ششم.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰.ق) اصول الفقه، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲) اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ج ۳، چاپ دوم.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۲) درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۱) سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- نیشابوری، فتال (بی‌تا) روضه الواعظین و بصیره المتعظین، بی‌جا: انتشارات رضی.
- هیک، جان (۱۳۸۱) فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- هیلند اریکسن، توماس؛ سیورت نیلسن، فین (۱۳۸۶) تاریخ انسان‌شناسی (از آغاز تا امروز)، تهران: نشر گل آذین.
- یاندل، کیت ای؛ پانن برگ، ولفهارت؛ وینرایت، ویلیام جی؛ پلاتنتیجا، آلوین (۱۳۸۶) فلسفه دین، ترجمه و نقد گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر حجه‌الاسلام و المسلمین دکتر حسینی شاهرودی، چاپ اول.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴) «ضرورت تأسیس فلسفه دین، منطق اکتشاف دین و فلسفه معرفت دینی، و ترابط و تمایز آن‌ها با همدیگر»، قیسات: سال دهم ش ۳۸، زمستان ۱۳۸۴: ۲۱-۵۲.

- Bertalanffy, L. Von. (1968). *General System Theory*; New York: Braziller.